

فانون

اتفاق . عدالت . ترقی .

نمره اول شرف رجب ۱۳۰۷	محلر مدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن .	قیمت اشتراک سالیانه یکت لیرو انکلیس
--------------------------	---	--

که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه جات و کتابچهای مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است .

ایران مملو است از نعمات خداداد .
چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبوده
قانون است .
هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که
قانون نیست .

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون . مرتب معزول
میکنیم بدون قانون . حقوق دولت را میفروشیم
بدون قانون . بندگان خدا را حبس میکنیم بدون
قانون . خزانه میبخشیم بدون قانون . شکم پاره
میکنیم بدون قانون .

*

در هند در پاریس در تفلیس در مصر در
اسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میدانند که
حقوق و وظائف او چیست .
در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست
و خدمت کدام .

فلان مجتهد را بچه قانون اخراج کردند .
موجب فلان مرتب را بچه قانون قطع نمودند .
فلان وزیر بکدام قانون مغضوب شد .
فلان سفیه بچه قانون خلعت پوشید .
هیچ امیر و هیچ شاهزاده نیست که از شرط
زندگی خود بقدر غلامان سفرای خارجه اطمینان
داشته باشد .

بسم الله الرحمن الرحيم

—o—o—o—

الهم بداننا باسمک العظیم . بعد الانکال علی عونک
الکرم . بنشر صحیفه "القانون" قانونا لمیادت
المومنین . و دستورا یمیدی باعوله خیر المهندین .
نارشدنا وایاهم الی صراط الرشاد المستقیم . و اثر
عقولنا بنبراس العلم السلیم . لنسلک فی منهاج العدل
والاستقامه . و نحطی بخاتمة الصالحین یوم القیامه .

جمع رکنی از خلق ایران به چندین سبب خود را
از وطن مایلوف بیرون کشیده در ممالک خارجه
متفرق شده اند . در میان این مهاجرین متفرقه
آن اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع
ایران تطبیق میکنند سانها در این فکر بودند که آیا
چچه تدبیر می توان بان بیچاره کان که در ایران گرفتار
مانده اند جزئی امدادی برسانند . پس از تفحص و
تفکری زیاد براین عقیده متفق شدند که بجهت جات
و ترقی خلق ایران بهتر از یکت روزنامه ازاد هیچ
اسباب نمی توان تصور کرد .

*

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و
قدرت روزنامه جات را درست فهمیده اند در این
چهار پنج سال بیکت عزم مردانه افتادند باطراف دنیا
و بهر وسیله چه باصرار چه بالتماس و چه بگدائی
از دولتها و اعیانای ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی
اعانتهای باثر جمع نمودند و بعون الی این روزها
یکت کمپانی معتبری ترویج دادند بلین عزم مبارک

ترتیب، صحیح جمع و حاضرند .. و اصول، اکمل، قوانین را در شرع اسلام، مثل آفتاب در پیش روی خود موجود و روشن می بینیم . اشکال، مطلب بهیچوجه، در انتخاب قوانین نیست .

اصل، مسئله در اینست که قوانین، خوب خواه آسمانی خواه عقلی از هر کجا که انتخاب و بهر زبان که چاپ نمائیم و کتابخانهای خود را هر قدر از این قوانین، پر بکنیم محال است که خود بخود مجرا بشوند .

پس اگر قانون میخواهیم قبل از اقدام بکار باید از عقل و همت خود بهره‌مند که بعد از انتخاب قانون چه باید کرد که آن قانون مجرا بشود . در این مسئله، بزرگ جرئهای تازه خیلی خواهیم داشت .

یکی از حرفهای تازه، ما اینست که ترقی دنیا پس از هزار قسم امتحان از برای اجرای قوانین بعضی تدابیر مخصوص اختراع کرده که ما اهل ایران تا امروز از معانی و اثر آن بکلی بیخبر بوده ایم .

علماء و عقلای ایران همه وقت از قوانین حسنه اطلاع داشته‌اند . نقص کار این بوده که هرگز ندانسته‌اند از برای اجرای قوانین چه تدبیر و چه راه باید پیش گرفت . هنوز بر این اعتقاد هستند که اجرای قوانین کار 'وزراست' . میگویند ما قوانین خوب درسته خود حاضر داریم اما چه کنیم که وزرا مجرا نمایند .

ای عاقل، مکرم . آن وزرا که طالب و قادر اجرای قانون میشوند آنها در این نوع شوره‌زارها بعمل نمیایند . پس از این انتظارها حال دیگر تیرج خواهد بود که ما و شما باز تکلیف خود را منصرف باین قرار بدهیم که قوانین خوب پیدا نمائیم . بعد از این باید تکلیف دولخواهی و وظیفه انسانیت، ما این باشد که سعی نمائیم بفهمیم چه باید کرد که قوانین، خوب در ایران مجرا بشوند .

*

ما چند نفر که بسعادت، بخت و بتقدیر آلبی

حتی برادران و پسرهای پادشاه نمیدانند فردا صبح بعراق عرب منتفی خواهند شد یا بملکته روس فرار خواهند کرد .

*

واضح است که حرف ما در اینجا بر عدالت، شخص، پادشاه نیست . کل ایران شهادت میدهد که عادل تر و رؤوف تر از امروز پادشاهی نداشته‌ایم . اما عدالت شخص، پادشاه بدون، قوانین، حسنه و بدون دیوانخانهای منظم در میان این دریای مظالم بفریاد کدام بیچاره خواهد رسید .

*

تاریخ دنیا بحیرت ثبت کرده است که در این چهل ساله سلطنت هنوز در ایران یک کلمه قانون وضع نشده است .

در ملکه انوشیروان با همه تزییات دنیا و با همه کمالاته دولت پرور، وزری ما امروز اداره جمیع امور ایران عبارتست از دلیخواه، روسا .

در ملکی که هیچکس مادرین نباشد لفظ قانون و اسم حقوق بزبان بیابان در ملکی که مال و جان و ناموس و تمام زندگی خلق موقوف به یواهای روسا باشد در ملکی که هر جاهل، ناخجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب، کل، ملت قرار بدهد در آن ملک همت ملوکانه و عدالت ظل‌اللهی چه معنی خواهد داشت .

مطلب اصلی و فریاد خلق ایران اینست که عدالت باید حکما مبنی بر قانون باشد و ما در ایران هنوز هیچ قانون نداریم و از این تاله ما مقصود بهیچوجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است . کتب ما وسنه علمای ما پرست از قوانین خوب . حرف در اجرای آنهاست .

*

قوانین خوب در این چند هزار سال بواسطه انبیا و حکما بشروح کامل نوشته شده و الان به

حیرت و اسباب ترجم دنیا ساخته است .
لذا تلبه و قویا مصمم شده ایم که سبل همه این
مصایب را بسد قوانین دفع نمائیم .

جمعیه حرکات دولت بعد از این باید مبنی بر
قانون باشد .

عزل و نصب عمال باید موافق قانون . تحصیل مالیات
موافق قانون . محاکمات موافق قانون . حبس موافق
قانون . جزا موافق قانون . مصارف دولت موافق قانون .
حکمرانی سلطنت موافق قانون . سختی و عدالت
فرمایش و اطاعت همه باید بحکم قانون باشد .

ولیکن باید این حقیقت بزرگ را هم خوب
ملضت بشوید که استقرار قانون فقط باراده پادشاه
میسر نخواهد بود .

تا وزرا و عقلا بلکه تا عموم خلق یک ملک طالب
قانون نباشند وضع قانون در آن ملک یک واقعیه
موقتی و عوض اینکه یک درخت برومند باشد یک
گیاه بی ریشه خواهد بود .

و این نقره را هم باید بخلق ایران درست حالی
نمائید که این دولت تنها مال من نیست مال همه
ماست . اگر شما درپند قانون نباشید و اگر خلق ایران
از ما قانون نخواهند همت ما و دلسوزی دیگران
از برای رفاه شما چه حاصلی خواهد داشت .

نظم دولت باید با اتفاق خلق باشد و شما معنی
اتفاق را بکلی فراموش کرده اید .

مایه کلی افشاش دولت ما از عدم اتفاق شماست .
اگر واقعاً نظم و قانون میخواهید باید از روی جد در
طلب قانون باهم متفق و یکدل بشوید . و اینهم کافی
نخواهد بود که فقط شما چند نفر با هم اتفاق نمائید
باید آنچه قدرت و تدبیر دارید بکار ببرید که عموم
اهل ایران طالب اتفاق و محرک و حامی قانون باشند .

باید مجتهدین و علما و ارباب قلم و اصحاب
کلام نواید قانون و لزوم اتفاق را در مدارس و بر منابر
و بر سر کوفه و بازار شب و روز گوش زن خلق ایران
بسازند .

مؤسس این جریده قانون شده ایم بر ذمت
دولت پرستی خود حتم کرده ایم که از روی علوم
و سرمشقای دنیا بقدری که در قوه ما باشد خلق
ایران یاد و نشان بدهیم که از برای اجرای قوانین
چه نوع همت و چه قسم مساعی باید بکار ببرند .

اگر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مثل بعضی
سلاطین سابق منکر و دشمن قانون میشد ما نیز
بانتضای آئین شاه پرستی اسم قانون ر بزبان نمی آوردیم
ولیکن با نهایت وجد مشاهده میکنیم که این اوفات
پادشاه ما مضرتر از هر حکیم و مجدتر از هر رعیت
خواه و داوطلب قانون شده است

موانع اخبار طهران این روزها در آستان همایون بجز
تمجید قانون و تاکید بر لزوم قانون حرف دیگر نبوده
است .

*

از برای شاهد این معنی بعضی مقامینی که بر سر
همین مسئله قانون در مجلس وزرا بزبان مبارک
جاری شده و یکی از دوستان ما از طهران فرستاده است
مضمون روشنائی تلویح اهل ترقی در اینجا با هزار
لسان تشریح چاپ می نمائیم .

پس از شرح امنیت و آبادی فرنکستان اینطور
فرموده اند .

همه این ترقیات و آسایش سایر ملل از میامن
استقرار قوانین است .

در نظر ما مثل آفتاب روشن شده است که بدون
قانون نه از برای سلاطین امنیت خواهد بود و نه
از برای ملت آسایش .

تا بحال گردش جمیع امور این دولت بسته باراده
شخصی ما و اغلب موقوف بمیل و اغراض وزرا بود .
مناصب دیوان و حقوق ملت همه توی در هم . کله
صنوف نوکر و رعیت در زندگی خود متخیر . هیچ
عملی در دولت ما نیست که مبنی بر قانون باشد .

بی قانونی دولت و اغراض و عدم کفایت بزرگان
وضع این دولت و بقای این سلطنت را موجب

اصول، قوانین، خوب همه جا یکی است و اصول
بهترین قوانین همان است که شریعت خدا بما یاد
میدهد. اما از عدم اجرای این اصول بجدی ضرر و ستم
دیدهایم و الآن بطوری محتاج و تشنه "قانون هستیم
که راضی شده ایم بهر قانون اگر چه قانون "ترکمن باشد
زیرا که پست ترین قوانین بهتر از بی قانونی است.

سال گذشته یعنی سنه ۱۸۸۹ عیسوی از خاک
فرانسه موافق حسابهای گمرکها مبلغ هزار و سی و دو
کرور تومان امتعه بخارج حمل شده.
واز قرار حساب، گمرکهای داخله و خارجه از ممالک
ایران سالی فقط پانزده کرور تومان مال بخارج میرود.

ممالک ایران خیلی وسیع تر. خاک ایران خیلی
حاصل خیز. خلق ایران خیلی باهوش. خیلی کارکن.
پس چرا از استعداد ملک و از هنرهای ذاتی خود باین
درجه کمتر از دیگران منفعت میبرند.
سببش اینست که در سایر ممالک قانون مجریست و
در ایران هنوز لفظ قانون معمول نیست.

یکت شخص، بسیار محترم که می توان گفت
مملور دولتخواهی است از ایران می نویسد.
از این دولت علیه چندین فقره طلب بی حرف
دارم و در این چند سال از برای ابطال طلبهای من
هیچ بلایی نیست که بر سر من نیارده باشند.
بعضی از غربا که واثف مظلومیت من هستند میگویند
چرا نمیروی بدیوختخانه.

تعصب ذاتی قبول نمیکند که جواب بگویم کدام
دیوختخانه. کدام قانون. کدام انصاف. کدام انسانیت.
اولیای ما صد تومان پیشکش میگیرند و یکی از نوکرهای
خود را امیر دیوختخانه قرار میدهند و بعد بما یعنی
باین ملت سیاه بخت، ایران میگویند اگر طلب و
حق دارید بروید به دیوختخانه.

خدا در این سی سال بمن و به چندین هزار امثال، من
خیلی حوصله داد. حالا دعا می کنم که هم بمن و هم
به خلق ایران یک قدری هم شعور و یکت فی الجمله
غیرت گرامت فرماید.

باید ایران را طوری مملو صدای قانون نمائید که
کله صنف مردم ملا و تاجر سرتیپ و سرباز شاهزاده
و رعیت در طلب قانون هم رای و هم زبان و همدست
باشوند. بالا تر از اینها باید معنی قانون را در قلب
مردم چنان جایگیر بسازید که از برای تحصیل و حفظ
قانون هیچ نوع فداکاری حتی جان خود را متعاقب
نکنند.

راه نظم و شریه احیای دولت اینست که پس از سریر
اوضاع سایر دین و بعد از پنجده مال تجربه بشما و بخلق
ایران اعلام می نمائیم.

اگر انما طالب حفظ دولت خود هستید قبل از همه
چیز در طلب قانون و در تدبیر اتفاق باشید.

این فرمایشات ملکوتی سمات را یقین فرشتگان
اسلام بخط طلا بر در و دیوار مساجد ما خواهند
نوشت.

پرتو و نبیض این فرمایشات شاهنشاهی جاده
تکالیف مارا بطوری صاف و روشن میسازد که بعد از
این طی مراحل آدمیت از برای ارباب غیرت یک
عیش روح پرور خواهد بود.

بعد از این ان عقولی که از انوار معرفت شعاعی
دیده اند و ان قلوبی که بهمت و ترجم سرشته شده
اند چه اشکالی خواهند داشت که خلق ایران را از
این خواب نکبت بیدار نمایند.

ما از "مقرای دوله" متعابه بی نهایت ممنون
هستیم که محسنات و وجوبه قوانین را بدولت ما
حالی کردند.

آن سفا که دیست آدمیت و حقیقه دولتخواه
ایران هستند انشاء الله باز هم در هر موقع خاطر نشان
اوپنای دولت ما خواهند کرد که بعد از این بقای دول
ممکن نخواهد بود مگر بر اساس قوانین عدلیه.

ما نمی گوئیم قانون، پاریس یا قانون، روس یا
قانون، هند را میخواهیم.